این فایل فقط برای مشاهده می باشد . برای خرید فایل ورد و قابل ویرایش این گزارش تخصصی به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید www.asemankafinet.ir

گزارش تخصصی مدیر و معاون :

چگونگی نهادینه کردن فرهنگ نظم در دانش آموزان

www.asemankafinet.ir

فهرست مطالب

چکیده..... ۲

مقدمه ۳

بیان مسئله ۴

توصیف وضع موجود ۵

اهداف گزارش : ۷

هدف اصلی :..... ۷

اهداف جزئی : ۷

مقایسه با شاخص : ۷

جمع آوری اطلاعات..... ۷

تجزیه و تحلیل و تفسیر داده ها: ۱۱

تجزیه و تحلیل داده ها بر اساس نمودار استخوان ماهی: ۱۲

اجرای راهکار های پیشنهادی و نظارت بر آنها:..... ۱۲

ارزیابی عملکرد بعد از اجرای طرح ۱۶

نقاط قوت : ۱۸

نتیجه گیری..... ۱۸

پیشنهادات..... ۲۱

منابع ومآخذ:..... ۲۳

چکیده

همه مدیران و معلمان دوست دارند که مدرسه ای منظم، مرتب، آرام و همراه با ادب و احترام داشته باشند، اما، متأسفانه به علت نداشتن نگرش ها و بکار نگرفتن روش های مناسب، آن گونه که باید موفق نیستند. دلیل اصلی آن این است که نگرش آن ها، شاید یک نگرش تربیتی و مبتنی بر رفتار شناسی نبوده و بدون درک علت می خواهند ظاهر رفتار افراد را اصلاح کنند. نگرش قدیمی مبصر مآبانه و انضباط مدار که از دانش آموزان می خواست موی سر و ناخن ها خود را کوتاه کنند، در یک صف راه بروند و با روش های متحدالشکلی و بدون چون و چرا عمل کنند، در آموزش و پرورش فعلی جهان کاربرد موفقیت آمیزی ندارند. اکنون مجموعه ی درک و اطلاعات دانش آموزان با مجموعه ی درک و اطلاعات دانش آموزان پنجاه سال قبل قابل مقایسه نیست و ما به عنوان مدیر یا معلم نمی توانیم این واقعیت را نادیده بگیریم.

آموزش و پرورش جدید صحنه ای از یادگیری های متقابل از همه رسانه ها، افراد و تأثیرات فرهنگی همه جوامع است. خیلی از دانش آموزان از کوچک ترین وقایع جهان و محیط قبل از معلمان و مدیران خود آگاه می شوند و انتظارات خاصی از آن ها دارند. در چنین شرایطی، تغییر و اصلاح رفتار تابع درک عمیق علل رفتار است. به همین دلیل برای برقراری انضباط و اصلاح رفتار باید معلمان و مدیران اصول رفتار شناسی و برقراری انضباط را درک و نگرش های درست و عالمانه ای نسبت به آن داشته باشند تا در کارهای پرورشی خود موفق باشند.

اینجانب در این پژوهش تلاش نموده ام تا نظم و انضباط را در آموزشگاه برقرار ساخته و راهکار های آن را در اختیار همکاران گرامی قرار دهم.

نکات کلیدی :

دانش آموزان – فرهنگ نظم – نهادینه کردن

مقدمه

دشواری کنترل دانش آموزان با توجه به ویژگی های سنی آنها روز به روز روبه افزایش است. بسیاری از معلمان و مدیران از برخورد با مسائل انضباطی دانش‌آموزان احساس ناتوانی می کنند و به طور معمول ممکن است برخورد های نامناسبی با این رفتار ها داشته باشند. در زمینه‌ی بی انضباطی دانش‌آموزان،معلمان باید پاسخگوی سوالاتی از قبیل این سوالات باشند. ۱ – بی‌انضباطی چیست و چگونه می توان انضباط را آموخت؟ ۲- چگونه می توان از بروز رفتار های نا مناسب دانش‌آموزان که نظم و انضباط کلاس را مختل می‌کنند جلوگیری کرد؟ ۳ – علل بی انضباطی دانش‌آموزان کدامند؟ ۴ – چگونه میتوان این رفتارهارا کاهش داد یا از بین برد ؟

نظم و انضباط تعاریف متعددی دارد. عده‌ای کنترل رفتار فراگیرندگان و تسلط بر عوامل رفتاری آنان را انضباط می نامند, برخی معتقدند؛ نظم و انظباط شامل هر نوع سازماندهی در محیط مدرسه و کلاس است، به نحوی که سبب افزایش یادگیری شود.«انضباط عبارت است از :اعمال قواعد و مقرراتی که یادگیری را تسهیل می‌کند و اخلال در کلاس را به حداقل کاهش می دهد». «انضباط بدان دسته از اعمال معلم اطلاق می‌شود که مانع سر زدن رفتارهایی از دانش آموز است که فعالیت کلاسی را مختل یا تهدید به اخلال می کند» در جایی دیگر بی‌انضباطی را اینگونه تعریف می کنند :«هر نوع رفتاری که از ارزش‌های پذیرفته شده جامعه به دور است (با توجه فرهنگ)و دارای تکرار شدت و مداومت است و در زمانها و مکانهای متعدد اتفاق می افتد و همچنین رفتاری است که با درماندگی و کاهش کارایی فرد همراه است».

با وجود تعاریف بالا بی انضباطی را می توان اینگونه تعریف کرد : انجام دادن هر عمل یا رفتار پذیرفته نشده و نا معقول توسط دانش‌آموز که سازماندهی مدرسه وکلاس را مختل یا تهدید به اخلال می کند و باعث کاهش کارایی معلم و دانش‌آموزان شده و معلم را در رسیدن به هدف اصلی خود باز می دارد.

بیان مسئله

هدف از نظم و انضباط در آموزش و پرورش آن است که دانش‌آموزان را با مقررات مدرسه هماهنگ ساخته و محیط یادگیری را معنی‌دارتر و تمایلات و غرایز طبیعی و فطری آنها را در جهتی مطلوب هدایت و راهنمایی کند.

در مقابل، بی‌انضباطی و بی‌نظمی را می‌توان اینگونه تعریف کرد: انجام دادن هر عمل یا رفتاری به وسیله دانش‌آموز که سازماندهی مدرسه و فعالیت‌های کلاس را مختل یا تهدید به اخلال می‌کند. ایزابل کلاک، بی‌انضباطی را رفتاری می‌داند که از طرف تعدادی از دانش‌آموزان انجام می‌شود و مشکلاتی را برای معلم به وجود می‌آورد و معلم را در راه رسیدن به هدف که ارتقای تحصیلی دانش‌آموزان است، با مشکل روبرو کرده و مانع از پیشرفت کار تحصیلی می‌شود و رفتار آنان، نامعقول و نامنظم است.

می‌دانیم که انضباط اخلاقی و رفتاری دانش‌آموزان می‌تواند روی آموزش اثرگذار باشد. بنابراین، پرورش همراه آموزش مهم جلوه می‌کند. دانش‌آموزان باانضباط می‌توانند مسؤلیت‌های مهم مدرسه را به عهده بگیرند و در آینده نیز جامعه، به خوبی پذیرای این افراد است.

هدف از پژوهش حاضر، چگونگی ایجاد مدرسه‌ای شاد، با دانش‌آموزان با انضباط و منظم است که انسان‌های پرورش‌یافته در این مدرسه، در آینده انسان‌هایی به‌تعالی‌رسیده، تغییر رفتار داده و متفکر و متعهد خواهند بود که فقط هدف آنها کسب نمره بالاتر نیست، بلکه هدف آموزش و پرورش است. نظم و انضباط حاکم بر مدرسه باعث می‌شود دانش‌آموزان با برنامه‌ریزی به کارهای خود برسند و این نظم و انضباط نه تنها داخل مدرسه، بلکه خارج از مدرسه را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و باعث می‌شود دانش‌آموزانی باایمان، مشتاق به درس و مدرسه و در آینده توانمند روی کار بیایند. از اینرو به منظور بررسی عمیق‌تر مسئله به ذکر دلایل ایجادکننده بی‌انضباطی در مدرسه پرداخته و در ضمن آن به راهکارهای مؤثر جهت ارتقای سطح انضباط اشاره می‌شود.

بی‌انضباطی دانش‌آموز، تنها معلول مدرسه و کلاس درس نیست بلکه عواملی نظیر عوامل خانوادگی، اجتماعی، روحی و روانی و رفتار نامناسب برخی معلمین را شامل می‌شود که هر کدام یا مجموعه‌ای از این عوامل به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم زمینه را برای بروز رفتارهای مخرب دانش‌آموزان فراهم می‌کند.

توصیف وضع موجود

اینجانب معاون آموزشی می باشم. و سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش دارم. در سال تحصیلی اخیر نکته ای که توجه مرا به خود جلب نمود بی انضباطی تعدادی از دانش آموزان بود وبا توجه به شواهدی که داشته ام مسئله مورد نظرم که مشکل اخلاقی و انضباطی دانش آموزان به قرار زیر بود:

۱- در روزهای آغازین سال تحصیلی متوجه برخی بی انضباطی و بی انگیزگی هایی از جانب تعداد کثیری از دانش آموزان شدم به حدی که این مسئله نوعی گریز و بیزاری از این دانش آموزان به من القا کرد. اما بعد از دو سه روز از سال تحصیلی متوجه شدم که دانش آموزان کمی آرامتر و متمایل تر به مدرسه شده اند و کمی جو مدرسه رو به دوستی پیش می رود و به این نتیجه رسیدم که می توان از در دوستی با ایشان وارد شد و برای مثال یک مرتبه یکی از آنها علیرغم قوانین مدرسه موبایل آورده بود که من علیرغم متوجه شدن چشم پوشی کردم و اگرچه شاید این کار من از نظر اولیای مدرسه جالب و صحیح نبود اما مرا در جلب اعتماد و دوستی بیشتر با ایشان یاری و آنها را آرام تر کرد و متوجه شدم با مصالحت و دوستی می توان تا حدی مسئله را حل کرد ولی چگونه؟

۲- طی چند ماه متوجه شدم که از طرف دبیران ، همکاران و عوامل اجرایی و دفتر مدرسه هم به شدت از این کلاس انتقاد می شود و کارهایی را که دانش آموزان انجام می دهند خلاف مقررات مدرسه است مثل همان مسئله موبایل که ذکر شد. و همه همکاران یکصدا می گفتند فلان و . . . ولی هیچ کس در صدد اصلاح وضعیت نابهنجار بر نمی آمد.

۳- از جمله کارهایی که بچه ها سر کلاسها انجام می دادند که جو کلاسها را به هم می ریخت و باعث آزار من می شد

۱- همواره امتحان هایی را که دبیران مشخص می نمودند به بهانه های مختلف به تعویق می انداختند. همواره ابراز خستگی و بی حوصلگی و بی علاقگی به درس می کردند و با گفتن «خسته نباشید» و « بس است» و «خسته شدیم» و . . . می خواستند کلاسها را به مسائل غیر از مسئله درس بکشانند. گاهی دبیران می گفتند که عده ای بدون اجازه از جا بلند می شوند. راه می افتند و نزد دوستان خود می روند و خوراک می خوردند یا از آینه و اسپری سر کلاس استفاده می کنند. در این زمینه چندین بار با ایشان برخورد کردم ولی نمی دانستم چه کنم تا جلو این بی نظمی ها را بگیرم و وضع را بهبود بخشم تا اینکه:

پس از مدتی تصمیم گرفتم کاری را در زمینه حل مشکل این کلاسها انجام دهم و برای این کار ابتدا از وضعیت نامطلوب کلاسها و جهت مستندسازی عکس هایی تهیه کردم و دیگر اینکه پرسشنامه هایی را به دانش آموزان ارائه دادم که متأسفانه بی انگیزگی و بی علاقگی در حل این سؤالات حتی در بین ایشان موج می زد. متأسفانه نمونه این پرسشنامه موجود نیست.

قدم بعدی گرفتن یک آزمون کوتاه در زمان وضعیت نامطلوب بود که از یکی از دبیران خواستم آزمون فوق را برگزار نماید و در زمان انجام این آزمون سر کلاس های مذکور حاضر شدم .یکی از بچه ها با بهانه بیماری بعد از پخش شدن سؤالات پرسشنامه خود را با گستاخی روی میز گذاشت و گفت: من امتحان نمی دهم. وقتی چرایی کارش را جویا شدم با بی تفاوتی شانه ها را بالا انداخت و گفت: بیمار بودم (تمارض) و یکی دیگر از آنها گفت درس نخوانده و باز امتحان نداد و دیگران هم که نشسته بودند و مثلاً امتحان می دادند شروع به تقلب کردند خواستم آنها را از هم جدا کنم که با عکس العمل مواجه شدم که برخواستند، قهر کرده و برگ خود را روی میز گذاشتند و رفتند و گفتند امتحان نمی دهند. اینگونه مسائل مرا بر آن داشت تا در رفع مشکل این کلاس با همکارانم در صدد حل مشکل برآیم. و اینگونه شروع کردم:

اهداف گزارش :

هدف اصلی :

نهادینه کردن فرهنگ نظم در دانش آموزان

اهداف جزئی :

بررسی علل بی نظمی در دانش اموزان

پیدا کردن و بکارگیری راهکارهایی جهت نهادینه کردن فرهنگ نظم در دانش آموزان

مقایسه با شاخص :

در مقایسه با شاخص دانش آموزان باید به اهمیت نظم پی برده و رعایت نظم و انضباط در آنها نهادینه شود .

جمع آوری اطلاعات

در اولین گام برای جمع آوری اطلاعات برای یکی از کلاسها پرسشنامه ای تهیه کردم و با طرح ۵ سؤال به دانش آموزان نظرات ایشان را راجع به چگونگی رفتارها و نگرش و برنامه هایی که برای آینده خود دارند پرسیدم و شواهدی تهیه کردم. پاسخ های ایشان به این پرسشنامه بسیار مأیوس کننده بود. اما پرسشنامه دوم را مدتی بعد از شروع کار به ایشان دادم .

با توجه به پاسخ هایی که دانش آموزان به پرسش نامه دادند اینگونه نتیجه گیری کردم که پاسخ اکثریت بچه ها به سؤال «انگیزه و هدف از آمدن به مدرسه» هدف های خوب و ارزشمندی چون رفتن به دانشگاه و مفید بودن به حال خود و جامعه بود یا حداقل هدف ایشان ادامه تحصیل بود. از این پاسخ بچه ها با آن اخلاق و بی انگیزگی که از آنها سراغ داشتم بسیار تعجب کردم و برایم جالب بود. البته ناگفته نماند که در پرسشنامه ی اول بچه ها در پاسخ به این سؤال بیشتر گفته بودند هدفشان وقت گذرانی و تنوع است. پس در پاسخ آنها به سؤال اول تقریباً چنین برداشت کردم که بچه ها حتماً انگیزه های خوبی برای درس خواندن دارند ولی عوامل دیگری چون جو مدرسه، دبیران، کتب درسی، اولیاء و . . . باعث اینگونه بی انگیزگی ایشان شده است. البته در این نوبت

هم بودند دانش آموزانی که در جواب این سؤال گفته بودند حقیقتش نمی دانند چرا به مدرسه می آیند یا برای گذراندن وقت و . . . ولی اکثریت انگیزه های خوبی داشتند.

در پاسخ به پرسش «چرا بیشتر مواقع در کلاس ابراز خستگی و بی حوصلگی می کنند؟» عده ای روش تدریس بعضی از دبیران را دوست نداشتند، گروهی از بعضی درسها بدشان می آمد، برخی کتابها را حجیم می دیدند و تعداد کمی هم عوامل بیرونی چون افکار و مشکلات خارجی (خانواده و . . .) را دخیل بر بی حوصله بودن سر کلاس می دانستند. با توجه به جمع بندی پاسخ های بچه ها به این پرسش به این نتیجه رسیدم که با تغییر روش تدریس توسط دبیران و متنوع کردن کلاس حداقل کاری که می توان انجام داد تا به بهبود این وضع کمک شود و اتفاقاً چنین هم شد و تا حدی با تغییر روش به هدفم رسیدم.

در جواب سؤال «رابطه با اولیاء» بچه ها اکثراً می گفتند که روابط خوبی با اولیائشان دارند و از آنجایی که پرسشنامه ها بی نام بود چند نفری هم که نوشته بودند رابطه خوبی ندارند را نتوانستم پیدا کنم و با اولیائشان صحبت کنم. به جز یک مورد که نوشته بود رابطه اش با مادرش افتضاح است که اتفاقی متوجه شدم پرسشنامه چه کسی است، از او خواستم به مادرش بگوید بیاید تا با او صحبت کنم. مادرش آمد و وقتی با او صحبت کردم از حرف هایمان به این نتیجه رسیدم که فقط حساسیت های مادرانه و دلسوزانه مادر و شرایط سنی آن دانش آموز است که تصور می کند رابطه اش با مادرش بد است. در پاسخ به سؤال «نظر شما در رابطه با معلم هایتان چیست؟» اکثریت نظر منفی داشتند که با توجه به پاسخ های پرسشنامه همکاران نیز به این نتیجه رسیدم که متقابلاً همکاران هم نظر خوبی نسبت به بچه ها ندارند.

مشاهده کردم بچه ها در پاسخ به سؤال «چه برنامه ای برای آینده خود دارید؟» اکثراً ایده ها و برنامه های خوبی داشتند مثل رفتن به دانشگاه، سر کار رفتن و پولدار شدن، ازدواج و . . . دانستم که باید به دنبال عوامل مخرب و موانع راه ایشان گشت و آنها را از بین برد تا بچه ها به هدف های درستشان هدایت شوند.

پس از آن از وضع نامطلوب کلاس عکس هایی گرفتم که زمان گرفتن عکس های بچه ها متوجه شدند. برخی به طنز می گفتند خانم برای روزنامه می خواهید؟ گاهی ژست می گرفتند و از من می خواستند از آنها عکس

یادگاری بگیرم و شور و شوق و هیجانی در آنها ایجاد شد. برخی می گفتند خانم مشکوک شدید از ما عکس می گیرید می خواهید برای چی؟ چند بار متوجه شدم بچه ها پنهانی یا به وضوح و راحت سر کلاس غذا می خورند و این خوردن باعث حواس پرتی می شود. نمی دانستم با ایشان چه کنم. با مشورت با همکاران به این نتیجه رسیدیم که اینگونه با ایشان مقابله کنیم که خوراکی را بدون بحث از آنها بگیریم در گوشه ای از کلاس بگذاریم و بعد از تمام شدن کلاس آنها را دعوت به خوردن کنیم و این کار اتفاقاً جواب مثبت داد.یک روز که دو نفر مشغول خوردن شیر سر یکی از کلاس ها بودند دبیر مربوطه ظرف شیر را به آرامی از آنها گرفت و گوشه تخته سیاه گذاشت و در یکی دیگر از کلاس ها یکی از دبیران متوجه صدا و بوی اسپری از گوشه کلاس شد. متوجه شد یکی از بچه ها از ته کلاس به خود اسپری زد.. اسپری را از او گرفت

برای جلسه بعدی یک آزمون بسیار کم حجم در یکی از کلاس ها گذاشتیم و در جلسه بعد بود با بهانه تراشی و تقلب و تمارض بچه ها مواجه شدیم و نتیجه مطلوب و دلخواهی در روند کار دیده نشد. نمره دانش آموزان هم یکی دیگر از شواهد و مشاهدات مستقیم من بود .

در نوبت بعد با دانش آموزان صحبت کردم و به صورت شفاهی مصاحبه ای انجام دادم که «بچه ها هیچ فکر کرده اید چند مدتی است کلاسهایتان آشفته شده و تا پایان سال تحصیلی وقتی نمانده. چه برنامه ای دارید؟ چه می خواهید انجام دهید؟ چرا درس نمی خوانید؟ و . . . چرا چنین جوی را از نظر اخلاقی و درسی ساخته اید؟» که با این پاسخ ها مواجه شدم: خانم چرا رفتار درست و مساعد داشته باشیم؟ چرا درس بخوانیم در حالیکه نه رفتار خوب ما و نه تغییرات درسیمان به چشم اولیای مدرسه نمی آید. هیچ یک از رفتارهای مثبت ما دیده نمی شود اما روی کارهای بدمان ذره بین گذاشته شده. تشویق نمی شویم. برخی از دبیران ما که الگوی ما هستند با ما بدرفتاری و گاهاً به ما توهین می کنند و با این فکر که تا پایان سال چیزی نمانده بی خیال روزها را همچون گذشته خوش خوش می گذرانیم تا از شر مدرسه راحت شویم و . . . ما اصلاً دوست نداریم خوب بشویم بنابراین کاری برای بهبود اوضاعمان نمی کنیم. بسیار از این حرف ها متأسف و متأثر شدم و در صدد راه چاره برآمدم. ابتدا با مدیریت و دبیران وارد بحث در حیطه ی این موضوع شدم که خوشبختانه آنها ابراز نمودند تا حد ممکن

به من در جهت رفع این مشکل کمک می کنند من برای بهبود وضع بچه ها از ایشان خواستم در جلسه شورای دبیران موضوع را مطرح کنیم و از همکاران یاری بخواهیم که متأسفانه جلسه ای برگزار نشد. اما شخصاً در صدد برآمدم با تهیه پرسشنامه ای با موضوع بی نظمی دانش آموزان نظرات و پیشنهادات همکاران را جویا شدم .

با توجه به پاسخ همکاران در مورد این دانش آموزان متأسفانه به این نتیجه رسیدم که نظرات چندان مطلوبی نداشتند. اکثراً آنها را نامطلوب و نابهنجار تلقی می کردند. بیشتر همکاران نداشتن انگیزه، خانواده، دوستان، بی خیالی و . . . را علت ناهنجاری رفتار دانش آموزان می دانستند. مگر یک مورد از همکاران که نظر نسبتاً مساعدی داشت. از قضا نظر خیلی از بچه ها نسبت به این همکار (طی پرسشنامه و مصاحبه ی حضوری که با آنها داشتم) چندان مساعد نبود و اکثراً از خفقان سر کلاس ایشان حرف می زدند. به زعم اینجانب بچه ها به دلیل جدیت شدید این همکار محترم سر کلاس وی آرامش را حفظ می کنند و ایشان هم نسبتاً، از این وضع راضی هستند. در زمینه پیشنهادات همکاران راجع به بهبود وضع این کلاس اکثراً دوستی بیشتر، برخورد جدی توأم با مهربانی، تشکیل کلاسهای اخلاق اسلامی و استفاده از سخنران مجرب و تشویق بچه ها و ارزش دادن به آنها را مؤثر می دانستند. ولی با توجه به مصاحبه ای که با بچه ها انجام دادم و پرسشنامه هایی که پر کردند، به این نتیجه رسیدم که احتمالاً این نظرات و پیشنهادات در حد شعار است و هیچ کدام از ما و همکاران متأسفانه اقدام جدی در این زمینه انجام نداده ایم و در کل از دید اکثر همکاران پر از مشکل است ولی هیچ کس تا به حال در صدد رفع مشکلات بر نیامده است.کتبی در این زمینه به من کمک می کرد و مطالعه کردم و برخی از بخش های آن به عنوان پیشینه ی تحقیق آمده است که در این رابطه منابع زیر را مطالعه کردم:

۱- هنجار و ناهنجار← دکتر شکوه نوابی نژاد

۲- اخلاق و تربیت اسلامی ← استاد مرتضی مطهری

تجزیه و تحلیل و تفسیر داده ها:

مشکل بعضی از کلاسها چنان که قبلاً ذکر شد بی انضباطی و بدرفتاری دانش آموزان بود و من در صدد پیدا کردن معضل این کلاس برآمدم و برای رسیدن به راههای مطلوب از روش ۶ پرسش برای تجزیه و تحلیل استفاده کردم.

به شرح ذیل:

۱- چه عواملی باعث شده است که دانش آموزان اینقدر بی انگیزه و گستاخ و . . . شوند؟

۲- چرا دانش آموزان این کلاسها تمایلی به بهبود وضعیت رفتاری کلاس ندارند؟

۳- چگونه می توان این وضعیت نامطلوب را به سمت وضعی مطلوب سوق داد؟

۴- چه کس یا کسانی می توانند مرا در رسیدن به هدفم (راهکاری برای بهبود اوضاع کلاسها) یاری دهند؟

۵- از کجا شروع کنم تا بتوانم بچه ها را به بهبود اوضاع مایل کنم؟

۶- از چه زمانی می توانم اقدامات لازم را در بهبود وضع بچه ها اجرا کنم؟

تفسیر:

با توجه به شواهد ۱ برای پاسخ به ۶ پرسش این نتایج بدست آمد:

عواملی که دانش آموزان این کلاسها را اینگونه بی انگیزه و گستاخ کرده عبارتند از: عدم آگاهی بچه ها از اینکه اینگونه رفتارهای آنها چقدر ممکن است در نگرش و دیدگاه دیگران نسبت به آنها و . . . گران تمام شود. علت دیگر این بود که اولیای مدرسه نقطه های مثبت رفتاری بچه ها را نمی دیدند و مدام انگشت روی نقاط ضعف آنها می گذاشتند و دائم به قول خود دانش آموزان سر هر مسئله ای به آنها گیر می دادند به حدی که بچه ها اعتقاد داشتند سال تحصیلی که تمام است و هر چه بوده گذشته و این مدت باقی مانده هم با بی خیالی می گذرد. به این نتیجه رسیدم که از جمله افرادی که می توانند مرا در امر رسیدن به راهکارهای مطلوب یای دهند، در هر مرحله ای خود بچه ها هستند و بعد از ایشان اولیای مدرسه، دبیران و مدیر و اولیای دانش آموزان و برای رسیدن به هدفم با افراد ذیصلاح مشورت کردم. مثلاً به پیشنهاد یکی از دبیران تصمیم گرفتیم از نمایش یک

فیلم در امر تعلیم و تدریس یک درس استفاده کنیم و به صورت غیر مستقیم اخلاق پسندیده را به آنان آموزش بدهیم. ار آنجایی که بچه ها به فیلم علاقه مند هستند، این امر هم در ایجاد رابطه ای دوستانه و ساختن جوی مساعد مرا یاری کرد و هم تقریباً نتیجه ی دلخواهی نصیبم شد. دیگر اینکه با ایجاد یک اردوی دوستانه با دانش آموزان توانستیم از خوشان در حل مشکلشان استفاده کنیم. و تشخیص دادم زمان مساعد و مناسب برای اقدام های لازم دقیقاً بعد از شناخت معضل و مکان مناسب این کار در مرحله ی اول می تواند خانه و بعد مدرسه و مکان هاب تفریحی و اردوگاهها باشد.

تجزیه و تحلیل داده ها بر اساس نمودار استخوان ماهی:

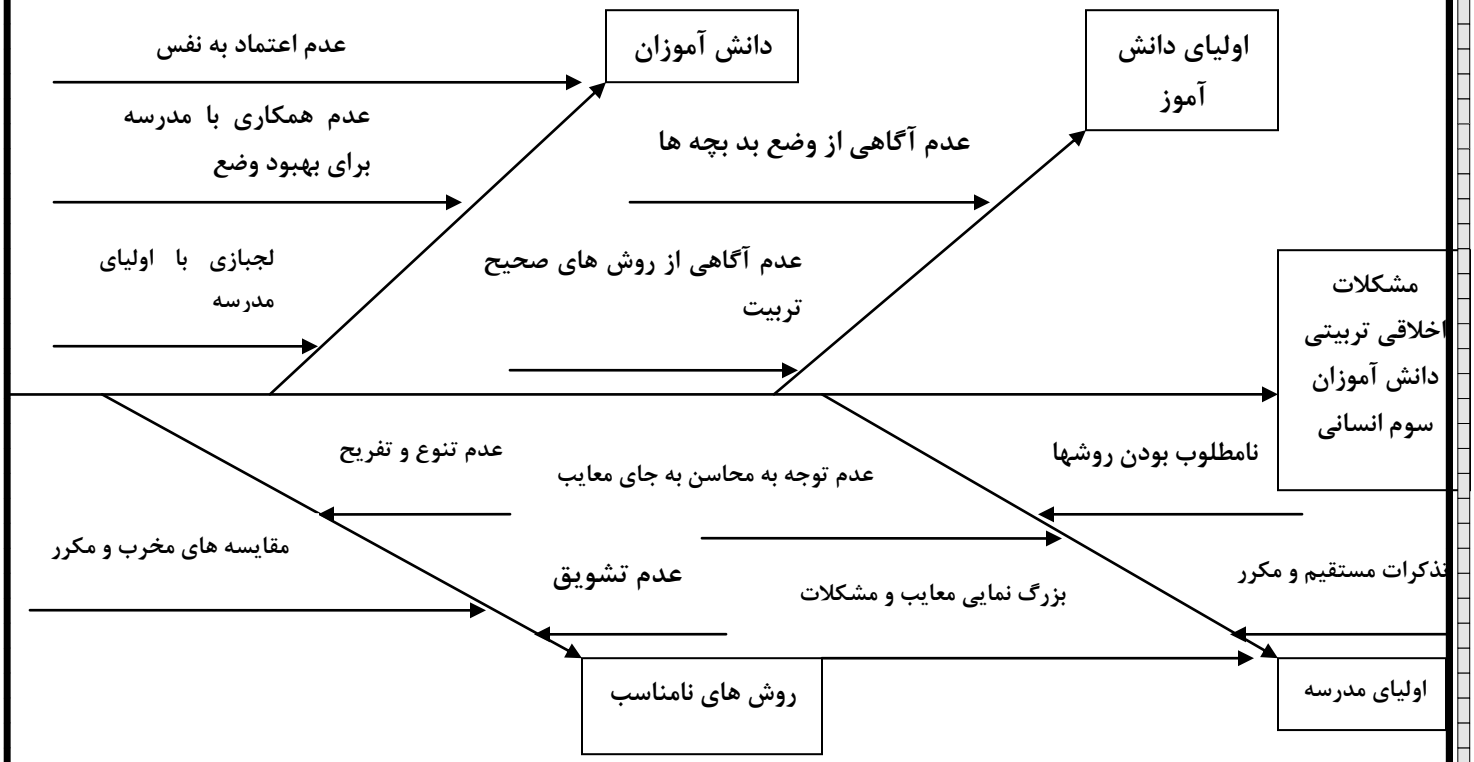

اجرای راهکار های پیشنهادی و نظارت بر آنها:

راهکارهای پیشنهادی را می توان از درون داده ها چنین بدست آورد و نتیجه گرفت:

۱- گرفتن کمک از خود دانش آموزان در حل معضل خودشان با ایجاد ارتباط و دوستی

۲- مشورت و جلسه با اولیای مدرسه و همکاران و گرفتن ایده های ایشان برای حل معضل

۳- مشورت با اولیای دانش آموزان برای حل معضل

۴- ایجاد انگیزه با ترتیب دادن برنامه های متنوع، اردو و برنامه های شاد

۵- تقویت اعتماد به نفس و تشویق و ترغیب ایشان به بهود اوضاع

۶- توجه به محاسن و ندیدن و اغماض عیوب ایشان تا حدی که به مسئله تربیتشان لطمه نزند و به آنها کمک کند.

۷- تغییر روش تربیتی و آموزشی از سنتی به نوین

۱- گرفتن کمک از خود دانش آموزان در حل معضل خودشان با ایجاد ارتباط و دوستی. در این مورد چنانچه به خاطر دارم، در اوایل امر به دلیل کم تجربگی خودم و عدم شناختم از دانش آموزان سعی کردم خودم هم کمی خشک برخورد کنم و فکر می کردم اگر با بچه ها راحت تر باشم ممکن است مورد سوء استفاده قرار بگیریم و این را یکی از عواملی دیدم که در خراب شدن اوضاع این کلاسها و ایجاد فاصله بین من و دانش آموزانم و سخت شدن کار مؤثر بود. به طور مثال زمانی که حتی دانش آموزان ابراز علاقه به اینجانب می نمودند حال یا به زبان می آوردند یا به هر نحو دیگری، من نیمه ی خالی لیوان را می دیدم و فکر می کردم همه ی این رفتارهای آنها چاپلوسی است و همین امور باعث ایجاد شکاف و مشکل شد. تا اینکه در طی این مدتی که روی این پژوهش انجام می دادم به این نتیجه رسیدم در یکی از جلسات یکی از کلاسها یکی از دانش آموزان که در برخورد با من رعایت ادب و احترام را می نمود، اما در عین حال شیطنت در وجودش موج می زد و اتفاقاً شخصیتی داشت که حکم رهبر یا معاون رهبر گروه بچه های شیطان کلاس را داشت آمد و گفت خانم امروز بیایید با هم برویم خانه تا یک مقدار از راه که با هم هم مسیر بودیم همراهیم کرد. بین راه حس کردم او حس نزدیکی بیشتری نسبت به گذشته با من می کند. شاید قبلاً هم بارها می توانسته و دوست داشته بیاید و پیشنهاد همراهی را به من بدهد ولی به دلیل برخورد های خشک و رسمی من به خود این اجازه را نمی داد یا شاید هم این بر می گشت

به جو خارج از کلاس و مدرسه و این علت این امر بود به هر حال او چنین جسارتی پیدا کرده بود. در بین راه دیدم راحت تر شد و موبایلش را از کیف بیرون آورد و آن را چک کردو بعد گفت خانم می شود شماره تان را به من بدهید؟ اول کمی در این کار تردید داشتم اما بعد شماره را دادم. او هم شماره اش را به من داد و این اولین گام در ایجاد دوستی با یکی از اعضای این گروه مشکل دار و مشکل ساز بود و چون او به نوعی رهبریت سایرین را بر عهده داشت این کار من در حل مشکل با بقیه نیز بی تأثیر نبود.

۲- مشورت و جلسه با اولیای مدرسه در راستای حل معضل بچه ها به دلایل ذیل به وقوع نپیوست:

اول اینکه مسئله را با اولیای مدرسه مطرح کردم و از آنها راهکار خواستم و گفتم کاش همه همکارانی که با بچه های این کلاس سر و کار دارند را در یک جلسه گرد هم می آوردیم و با مطرح کردن مسئله از نظرات ایشان نیز بهره می بردیم. ایشان گفتند در یک جلسه شورای دبیران مسئله را عنوان می کنیم که جلسه شورا یکی دو بار پس از این صحبت تشکیل شد که همیشه متأسفانه مسائلی که از دید مدرسه مهم تر بود مانع از طرح مسئله کلاس شد و این مسئله هیچ گاه در شورا مطرح نشد. این بود که تصمیم گرفتم با ایجاد پرسشنامه از نظرات همکاران استفاده کنم که متأسفانه نسبت به جلسه شورا نتوانست به عنوان راهکاری مؤثر واقع شود. در مورد نظرات اولیای دانش آموزان و جلسه با ایشان هم همین موانع وجود داشت.

۳- در زمینه ایجاد انگیزه با ترتیب دادن اردو و برنامه های شاد اینگونه عمل کردم:

زمانی که تصمیم به رفتن به اردو با بچه ها گرفتم، متأسفانه متوجه شدم بخشنامه آمده که همه ی اردوها لغو شده است. و تنها کاری که توانستم در این مورد انجام دهم این بود که چند بار که کلاسم با برنامه ی جشن های پرورشی مدرسه برخورد می کرد و اختیار را به همکاران می دادند که اگر می خواستند می توانستند کلاس را تشکیل دهند، برای آنکه بچه ها بتوانند در آن ساعات از نظر روحی آرام شوند و بتوانند خود را با شادی و شرکت در جشن تخلیه روانی کنند، اجازه رفتن به جشن را به آنها می دادم. در ضمن خودم هم سعی می کردم همراه با آنها و در نزدیکترین مکان به آنها حضورمی یا فتم. و متأسفانه با توجه به شرایط تنها کاری که از دستم برآمد اینهایی بود که مطرح کردم و نه بیشتر.

۴- توجه به محاسن و ندیدن و اغماض عیوب ایشان تا حدی که به مسئله ی تربیتشان لطمه نزند و به آنها کمک کند. در این زمینه سعی کردم همیشه توانایی های بچه های مذکور را درشت تر ببینم و گه گاه برخی کارهای مثبتشان را در کلاس های دیگر به عنوان الگو مطرح کنم. از آنجایی که بچه ها با هم در ارتباط اند و به یکدیگر اطلاع می دهند که فلان معلم راجع به شما چه می گفت، بچه ها باور کردند که نقاط مثبتی هم دارند. یک مرتبه هم از مدیریت مدرسه تقاضا کردم که به عنوان تشویق در صف صبحگاه نامی از این کلاسها بیاورد که این کار در بهبود وضع رفتاری بچه ها خیلی موثر بود. در ضمن هر گاه از دفتر به این کلاسها می رفتم حتی به صورت مصلحتی به بچه ها می گفتم: بچه ها جدیداً دفتر از شما خیلی رضایت دارد. این را خودتان می دانستید که خیلی عوض شده اید؟ و این کار خیلی آنها را بزرگ می کرد و در جهت بهبود دیدگاه مسئولان مدرسه سعی می کردم معایب بچه ها را کمتر مطرح کنم، مگر زمانی که به کمک ایشان جداً نیازمند بودم و محاسن بچه ها را بزرگ کرده به مسئولان گوشزد کنم که این کار در بهبود روابط بچه ها با دفتر مدرسه نیز بسیار مؤثر واقع شد.

۵- در مورد تغییر روش تدریس از سنتی به نوین سعی سعی کردم با مشورت با دبیران آنها ابتدا فضای کلاس را از شکل خشک و رسمی بیرون بیاورند به این صورت که صندلی های بچه ها گرداگرد کلاس چیده شود، همه چهره به چهره روبروی هم بنشینند و صندلی خودشان را هم در میان آنها تعبیه کردندو ضمن گروه بندی آنها بنا به اقتضای درس از روش های مشارکتی و اعضای تیم در امر تدریس استفاده شد که حس دوستی و روحیه ی همکاری را در بچه ها تقویت گردد. از دیگر اقداماتم در این راستا اینگونه بود:

ابتدا با دانش آموزان وارد بحث شدم و به درد دل و مشکلات ایشان به صورت یک مصاحبه ی شفاهی از وضع برخوردهای بد مدرسه (اولیای مدرسه) و کمبودها گوش دادم و سعی کردم ایشان احساس اعتماد بیشتری نسبت به من کنند. به طور مثال زمانی که با تخلف آوردن موبایل توسط یک دانش آموز مواجه شدم، با اغماض ایجاد اعتماد کردم.

پس از گرفتن یک آزمون و مشاهده ی نتایج مطلوب تر از گذشته ی ایشان سعی کردم ایشان را تشویق کنم که در جهت جلب اعتماد به نفس و ایجاد انگیزه و ایجاد رابطه ی حسنه ی خودم با بچه ها بسیار مؤثر بود.

پرسشنامه ای ترتیب دادم و نظرات همکاران را جویا شدم که پیشنهادات و اظهار نظرات ایشان نیز مرا در این امر تا حدی یاری رساند.

ارزیابی عملکرد بعد از اجرای طرح

با توجه به طرح معضل و یافتن راهکارها پس از پرسش از بچه ها و همکاران و مشورت و همیاری دوستان و همکارانم عکس ها و اسنادی از بچه ها تهیه کردم که سیر تدریجی بهبود اوضاع کاملاً قابل دریافت بود .

دانش آموزان به خوبی به اهمیت نظم پی برده بودند و نظم انضباط را رعایت می کردند .

ارزشیابی تأثیر اقدام جدید و تعیین اعتبار:

براساس جمع آوری اطلاعات بعد از اجرای طرح تأثیرات اقدامات انجام شده را بنا به دلایل زیر مثبت ارزیابی کردم:

گزارشی از کلاس های مذکور توسط مدیر محترم تهیه شد و تعیین اعتبار از طریق افراد زیر انجام گرفت:

۱- ارزیابی طرح توسط دانش آموزان به وسیله پرسشنامه ۲- توسط خودم

۳- توسط همکاران و دبیران ۴- به وسیله کتاب ها

برای تحقق اهداف نظم و انضباط در مدارس باید با تکیه بر همه مطالب یاد شده، به دو موضوع مهم اصول انضباط و روش های آن توجه خاص داشت:

الف – اصول انضباط

اعمال و برقراری انضباط تابع اصول و قواعدی به شرح زیر است که بدون درک آن ها امکان موفقت در تغییر و اصلاح رفتار وجود ندارد:

۱- مبنای انضباط باید بر پایه دوستی دو طرفه معلمین و شاگردان باشد.

۲- مسائل انضباط صرفاً به محیط مدرسه محدود نمی شود. دانش آموزان فقط چند ساعتی در مدرسه هستند و بقیه ساعات زندگی خود را در خانواده و محله می گذرانند. بنابراین، ریشه های آن را باید در جاهای دیگر نیز دید و برای حل آن نیز باید از آن ها کمک گرفت.

۳- انضباط نباید بر پایه تنبیه اعمال شود.

۴- کنترل فرد بر رفتار خود از ضروریات ارزش انسانی است و بنابراین، برای برقراری انضباط باید از خود دانش آموزان استفاده کرد و خودشان درباره ی رفتارشان و چگونگی تأمین انضباط تصمیم بگیرند.

۵- انضباط باید به عنوان یک امر ضروری برای زندگی جمعی در مدرسه به حساب آید و همه اعضای سازمان آموزشی مانند دانش آموزان، معلمان، کارکنان، مدیران و حتی اولیاء آن را درک کنند.

۶- باید برای برقراری انضباط، مطالعات و امکانات لازم و آموزش آن پیش بینی شود.

۷- برای برقراری انضباط، دانش آموزان باید درک کنند که انضباط فقط مربوط به مدرسه و برای مدرسه نیست، بلکه آن پایه ای برای انضباط اجتماعی و رعایت مقررات و نظم جامعه و زندگی است.

۸- درک چراهای رفتاری و انضباطی مقدم بر رفتار ظاهری و رعایت انضباط است.

۹- از آن جا که انضباط مربوط به تمام زندگی است، توجه به نکات زیر ضروری است.

الف – نگاه به انضباط برای حفظ سلامتی و بهداشت فرد و اجتناب از عادت های بد،

ب- کوشش مستمر به سوی توسعه و بهسازی روانی و ذهنی،

ح- آزاد اندیش شدن و رعایت حدود آزادی ها و حقوق دیگران،

د- اجتناب از بدخواهی علیه هر کس

ه- آموزش و توسعه سعه صدر، دوستی و عدالت نسبت به دیگران.

۱۰- رعایت اصل اعتدال و عدالت در امور انضباطی بر اساس توان و تکلیف افراد.

ب- روش های برقراری انضباط

بر پایه مطالعات و گفتاری پیشین، روش های زیر برای برقراری انضباط پیشنهاد می شود:

۱- به کار گیری مشکل شناسی به عنوان پایه اصلی رهبری و مدیریت انضباط در سازمان آموزشی.

۲- تعیین اهداف، استانداردها، قوانین و مقررات روشن.

۳- روش ساختن و تفهیم انتظارات مدرسه از دانش آموزان و کارکنان.

۴- کوشش برای اعمال کوشش ها و فعالیت های هماهنگ بین مدیر، معلمان، دانش آموزان و اولیاء.

۵- بالا بردن توانایی های معلمان و مدیران در انگیزش، روش تدریس و روابط.

۶- بستر سازی و دادن مسئولیت برای خود کنترلی دانش آموزان در امور مدرسه.

۷- داشتن روابط حسنه با دانش آموزان – احترام به جای ترس.

۸- پیش بینی برنامه های متنوع ولی منظم و زمان مند بر اساس نیازهای دانش آموزان و اهداف تعلیم و تربیت و تلفیق آن ها.

۹- به کار گیری و دخالت دانش آموزان در امور برنامه ریزی و استقرار نظم و انضباط.

۱۰- ارتباط بین اولیاء و مربیان و توافق آن ها در مسائل تربیتی و روش ها.

۱۱- اعمال روش های درست تشویق و تنبیه.

۱۲- برنامه دار بودن و پیش بینی فعالیت ها.

نقاط قوت :

۱ – دانش آموزان به اهمیت نظم پی بردند .
۲ – دانش اموزان به خوبی نظم و انضباط را رعایت می کردند .
۳ – اولیا و همکاران از نظم و انضباط دانش آموزان خشنود بودند.
نقاط ضعف :
۱ – عدم نظارت در پایه های قبلی باعث سختی کار شده بود .

نتیجه گیری

اگر دانش‌آموزان در مدرسه نظم و انضباط را رعایت کنند نتیجه آن مسئولیت‌پذیری آنها خواهد بود. این دانش‌آموزان با رعایت حقوق تمامی افراد و برخوردهای منطقی با مخالفین و احترام متقابل، از عصاره بدست

آمده از رعایت رفتار و عمل به آن در سطح مدرسه و بعد از آن پیاده کردن کاربردی‌تر در سطح اجتماع رفتار می‌کنند که می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات و کشمکشهای موجود در داخل اجتماعات انسانی باشد.

اگر به دانش‌آموزان بی‌انضباط و یا کم فعال مدرسه مسئولیتی را بدهیم و اجازه دهیم آن را تجربه کنند قطعاً این دانش‌آموزان از نظر انضباطی بهبودی پیدا خواهند کرد فقط این کار مستلزم فرآیند آزمایش و خطاست.

این مسئولیت‌ها باید از کوچک شروع شود و پس از آنکه دانش‌آموز از خود قابلیت ایفای مسئولیت را نشان داد مسئولیت‌های مهم داده شود. دانش‌آموز، با احساس مسئولیت کردن، به بحث و تصمیم‌گیری و مشارکت در مدرسه می‌پردازد که باعث ایجاد مدرسه‌ای نتیجه‌بخش می‌شود و محیط بهتری را برای آموزش فراهم می‌کند.رابطه نظم و انضباط با مسئولیت‌پذیری، رابطه‌ای متقابل است.

بعضی‌ها بر این باورند که برقراری نظم و انضباط در مدارس امروزی با توجه به اجتماعی که در آن قرار داریم خیلی مشکل است. مدرسه‌ای که نتوان در آن نظم را برقرار کرد، طبق مباحث قبلی این مدرسه موفق نخواهد بود. نه دانش‌آموز درس خواهد خواند و نه نظم کلاس را رعایت خواهد کرد.

خیلی از معلمان مدارس ما از مشکل بی‌انضباطی زجر می‌کشند زیرا عاقبت بی‌انضباطی را درس نخواندن می‌دانند. انضباط و تعلیم و تربیت ارتباط خیلی نزدیکی دارند و بعضی دیگر از معلمان با مدیریت خوب کلاس، انضباط را یک معضل نمی‌دانند.

بعضی معلمان و معاونان بر این اعتقادند که برای برقراری نظم حتماً شیوه تشویق و تنبیه باید وجود داشته باشد و بعضی دیگر معتقدند برای دانش‌آموز باید محیطی فراهم آورد که در آن برای قدم گذاشتن در جاده پیشرفت مورد حمایت قرار گیرد و موانع سر راهش هموار گردد. به نظر آنان دانش‌آموز انگیزه درونی دارد بنابراین کافی است که این انگیزه پرورش یابد نه اینکه کنترل شود تا بتواند به بار بنشیند بنابراین طبق این نظریه، معلم که جهت دهنده است حرف اول را در پرورش نمی‌زند ولی به این معنی هم نیست که دانش‌آموز را به حال خود رها کنیم.

سعی کنیم با دانش‌آموزان بی‌انضباط، آرام، خونسرد و حرفه‌ای برخورد کنیم. این نکته خیلی مهمی است زیرا اگر مأمور پلیسی وسیله نقلیه ما را به خاطر رعایت نکردن قوانین رانندگی جریمه کند حق اجرای قانون انتظامی دولتی را دارد یعنی صدور برگه جریمه، ولی حق تحقیر و رجزخوانی و سرزنش شما را ندارد. در مورد دانش‌آموزان بی‌انضباط هم عیناً همین است ما در حیطه وظایف خود حق اجرای برنامه انضباطی را داریم ولی نباید با فریاد زدن و حرکت انگشت، یا نگاه‌های تهدیدآمیز و یا تعابیر نیش‌دار و.... مورد بی‌انضباطی را به دانش‌آموز بگوییم. اگر برخورد ما با خونسردی و همراه با ریشه‌یابی باشد احتمال بیشتری دارد تا دانش‌آموز متوجه رفتارش شود زیرا ما می‌خواهیم با دانش‌آموزان تا پایان سال تحصیلی در مدرسه، با هم باشیم. اگر ما از دست دانش‌آموز، از حال طبیعی خود خارج شویم دیگر نمی‌توانیم به دانش‌آموز تسلط داشته باشیم. ما هنگام برخورد با دانش‌آموز بی‌انضباط باید آرام و خونسرد باشیم چرا که دانش‌آموزان از رفتار ما الگوگیری می‌کنند.

کم‌توجهی به دانش‌آموزان، به صورت ناتوانی در ادامه دادن یک تکلیف خاص آشکار می‌شود. دانش‌آموزانی هم در مدرسه هستند که معمولاً بیش‌فعال هستند که هم خانواده از دست چنین دانش‌آموزانی ناراضی است و هم مدرسه. این دانش‌آموزان در مدرسه، از دستورها اطاعت نمی‌کنند عملکردی تکانشی دارند و تحریک‌پذیر و خشن هستند. چون این دانش‌آموزان چنین مشکلاتی را دارند با هم سالان خود و خواهر و برادرشان مشکل دارند بعداً ممکن است در اجتماع دچار تنهایی و گوشه‌گیری شوند. این افراد از فعالیت‌هایی که نیازمند کاربرد نظم و انضباط مداوم و کوشش ذهنی و تقاضاهای سازمانی یا تمرکز حواس است، اجتناب کرده و یا بدشان می‌آید. این دانش‌آموزان در کلاس درس حواسشان به راحتی توسط محرک‌های ناآشکار منحرف می‌شود و در نتیجه هر محرک بی‌اهمیتی کار و فعالیت آنها را قطع کرده و باعث بی‌انضباطی در مدرسه می‌شوند.

برای ایجاد انضباط معلم باید خواسته‌های خود را با دانسته‌های دانش‌آموز هماهنگ کند و به اصلاح تجارب نادرست پرداخته و رفتارهای جدید ایجاد کند و تداوم در این رابطه اهمیت دارد. همچنین همکاران بدانند که دادن فرصت و مشاهده و تمرین رفتار مطلوب به دانش‌آموزان می‌تواند مؤثر باشد و رفتار صحیح را در عمل آموزش دهند.

دانش‌آموزان کادر مدرسه را، راهنمای اخلاقی خود می‌دانند و آنچه را که وی به عنوان نیک و زشت می‌گوید می‌پذیرند. بنابراین رفتار معلم با عمل او باید یکسان باشد.

پیشنهادات

۱- قوانینی را که برای اداره ی کلاس ضروری به نظر می رسد باید با عباراتی مشخص در ابتدای سال تحصیلی برای دانش آموزان بیان کرد و بچه هایی که از قوانین اطاعت کنند و از مقرّرات کلاس سرپیچی نکنند را جهت تشویق در اردو های تدارک دیده شرکت داد .

۲- در اوّل سال تحصیلی جهت اجرای مناسب قوانین واحد آموزشی مدرسه تعهّدنامه ی ثبت نام دانش آموزان را در چندین نوبت مراسم صبحگاهی قرائت و تعهّد اخلاقی از کلّیّه ی دانش آموزان گرفته شود .

۳- جهت اجرای نظم درکلاس ها و برای همکاری با مدیر آموزشگاه برای هر کلاس یک مبصر - جانشین - مسئول غائبین و یک نفر به عنوان مسئول انتظامات سالن در حین خروج از کلاس و حیاط مدرسه با تأیید دانش آموزان انتخاب می شوند .

۴- انتخاب دو نفر از دانش آموزان تحت عنوان انتظامات جلوی درب ورودی سالن که در زنگ های تفریح مشغول انجام وظیفه می باشند .

۵- انتخاب سه نفر از دانش آموزان شورای دانش آموزی مدرسه تحت عنوان انتظامات درب ورودی حیاط مدرسه در زنگ های تفریح جهت کنترل افراد متفرّقه و دانش آموزان .

۶- تهیّه ی پارچه ی سفید بازوبند برای انتظامات حیاط مدرسه و درب ورودی حیاط مدرسه و درب سالن ورودی در زنگ های تفریح .

۷- تذکّر و قرارداد با دانش آموزان مبنی بر این که درحیاط مدرسه رعایت حال دانش آموزان بیمار و ضعیف را بکنند و حتی احتمال بدهند که در حین دویدن امکان دارد به یک دانش آموزی برخورد کنند که عمل جراحی کرده و بر اثر برخورد آن ها به زمین بخورد و منجر به خسارت شود ، در صورت بروز چنین حوادثی دانش آموز بی توجه مسئول پرداخت هزینه می باشد .

۸- تذکّر به دانش آموزان در خصوص باز بودن درب ورودی حیاط مدرسه مبنی بر این که ورود دانش آموزان به مدرسه آزاد امّا خروج از مدرسه ممنوع می باشد و بدون اجازه ی مسئولین مدرسه و خودسرانه خارج شدن از مدرسه تخلّف محسوب می شود .

۹- تهیّه ی دفتر انضباطی جهت یادداشت موارد تذکّر داده شده و موارد تشویقی دانش آموزان .

۱۰- پیگیری جدّی در مورد غائبین و در صورتی که دانش آموز بدون اطّلاع خانواده اش غیبت کند قبل از زنگ مدرسه با خانواده اش تماس گرفته و علّت غیبت سؤال شود .

۱۱- تذکّرات خصوصی به دانش آموزان شلوغ (بیش فعّال) و ایجاد انگیزه و علاقه در دانش آموزان .

۱۲- داشتن قابلیّت صبر و بردباری درصورت بروز مشکل و توانایی گوش دادن به حرف های دانش آموزان تارسیدن به نتیجه و برقراری آشتی و رضایت بین دانش آموزان در صورت چشم پوشی کردن آن ها از مسایل به وجود آمده .

۱۳- تذکّر نکات اخلاقی و حتّی نکات مهمّ کتابچه ی جوان ، قانون ، . . . و آگاهی دادن جهت مهارت های زندگی و این که با افراد مزاحم در خیابان و جامعه چطور برخورد کنند .

۱۴- اجتناب از تنبیه بدنی در کلّ دوران مسئولیّت .

هدف از انضباط این است که فرد را قادر به سازش با قوانین و مقرّراتی کند که فرهنگ یک گروه پذیرفته است به طوری که رفتار خود را با توقّعات وخواسته های سالم اجتماعی که در آن زندگی می کند هم آهنگ نماید .

منابع ومآخذ:

۱-میرزابیگی،علی،(۱۳۸۲)،نقش هنردرآموزش وپرورش وبهداشت روانی کودکان،تهران، انتشارات مدرسه،چاپ چهارم.

۲-هاجری،ضیاءالدین،(۱۳۷۲)،آنچه یک معلم بایدبداند،تهران،انتشارات راد،چاپ اول.

(کتاب مذکورترجمه می باشد ،امانام مؤلف درآن نوشته نشده است.)